

مداخلات توانمندسازی روان‌شناختی برای کودکان کار:
مروری جامع بر مبانی نظری، شیوه‌های مبتنی بر شواهد و پیامدها

**Psychological Empowerment Interventions for Child Laborers:
A Comprehensive Review of Theoretical Foundations,
Evidence-Based Practices, and Outcomes**

Majid Amini Khorasgani

Department of Genetics, Faculty of Basic Sciences,
Islamic Azad University, Shahrekord Branch,
Shahrekord, Iran.

Email: amini_microbiology2011@yahoo.com

مجید امینی خوراسگانی*

گروه ژنتیک، دانشکده علوم پایه، دانشگاه آزاد اسلامی واحد
شهرکرد، شهرکرد، ایران.

Zahra Khosravi

Department of Health Psychology, Faculty of
Medicine, Islamic Azad University, Najafabad
Branch, Najafabad, Iran.

زهرا خسروی

گروه روانشناسی سلامت، دانشکده پزشکی، دانشگاه آزاد اسلامی
واحد نجف آباد، نجف آباد، ایران.

Abstract

This review article examines contemporary research on psychological empowerment interventions for street and working children across five main domains: assessment of psychological capacities, intervention effectiveness, resilience and coping mechanisms, the role of empowerment in family and interpersonal interactions, and developmental pathways. A comprehensive review of empirical studies published between 2018 and 2026 employing quantitative, qualitative, and mixed-methods approaches was conducted. Findings indicate that psychological empowerment interventions demonstrate significant positive effects on psychological outcomes for working children. Mindfulness-based training improves emotional regulation, resilience, and psychological well-being. Psycho-emotional empowerment packages enhance social competence in vulnerable adolescents and improve the subjective well-being of children from disadvantaged families. Community-connected approaches strengthen resilience through healthy attachments and emotional regulation skills. Psychosocial interventions simultaneously targeting intrapersonal and

چکیده

این مقاله مروری، پژوهش‌های معاصر درباره مداخلات توانمندسازی روان‌شناختی برای کودکان کار را در پنج حوزه اصلی بررسی می‌کند: ارزیابی ظرفیت‌های روان‌شناختی، اثربخشی مداخلات، سازوکارهای تاب‌آوری و مقابله، نقش توانمندسازی در تعاملات خانوادگی و بین‌فردی، و مسیرهای رشدی. مرور جامعی بر مطالعات تجربی منتشرشده بین ۲۰۱۸ تا ۲۰۲۶ با رویکردهای کمی، کیفی و آمیخته انجام شد. یافته‌ها نشان می‌دهد مداخلات توانمندسازی روان‌شناختی تأثیرات مثبت معناداری بر پیامدهای روان‌شناختی کودکان کار دارند. آموزش مبتنی بر ذهن‌آگاهی تنظیم هیجانی، تاب‌آوری و بهزیستی روان‌شناختی را بهبود می‌بخشد. بسته‌های توانمندسازی روانی-هیجانی، شایستگی اجتماعی نوجوانان آسیب‌پذیر را افزایش و بهزیستی ذهنی کودکان خانواده‌های محروم را بهبود می‌دهند. رویکردهای مبتنی بر پیوند با جامعه از طریق ایجاد دلبستگی‌های سالم و مهارت‌های تنظیم هیجانی، تاب‌آوری را تقویت می‌کنند. مداخلات روانی-اجتماعی که عاملیت درون‌فردی و بین‌فردی را هم‌زمان هدف قرار می‌دهند، در محیط‌های کم‌برخوردار تأثیر چشمگیری بر کارکرد روانی-اجتماعی داشته‌اند. نتایج نشان می‌دهد

interpersonal agency have shown meaningful impacts on psychosocial functioning in underprivileged settings. Results indicate that psychological empowerment is a multidimensional construct with strong empirical support for working children. Effective interventions share common elements including self-awareness, self-efficacy, emotional regulation, social competence, and trauma-informed, culturally-contextualized approaches. Integrating these principles across individual, family, school, and community levels provides promising pathways for enhancing well-being and developmental outcomes for working children.

Keywords: Psychological empowerment, Working children, Resilience, Emotional regulation, Intervention, Child labor.

توانمندسازی روان‌شناختی سازه‌ای چندبعدی با پشتوانه تجربی قوی برای کودکان کار است. مداخلات اثربخش بر عناصر مشترکی چون خودآگاهی، خودکارآمدی، تنظیم هیجانی، شایستگی اجتماعی و رویکردهای متناسب با زمینه فرهنگی و آگاه از تروما تأکید دارند. ادغام این اصول در سطوح فردی، خانوادگی، مدرسه و جامعه، مسیرهای امیدبخشی برای ارتقای بهزیستی و پیامدهای رشدی کودکان کار فراهم می‌کند.

واژه‌های کلیدی: توانمندسازی روان‌شناختی، کودکان کار، تاب‌آوری، تنظیم هیجانی، مداخله، کار کودک.

نوع مقاله: پژوهشی	دریافت: تیر ۱۴۰۵	پذیرش: شهریور ۱۴۰۵
-------------------	------------------	--------------------

مقدمه

کودکان کار یکی از آسیب‌پذیرترین جمعیت‌ها در سطح جهان را تشکیل می‌دهند و با چالش‌های قابل توجهی در زمینه رشد روان‌شناختی، بهزیستی و مسیرهای آینده زندگی خود روبه‌رو هستند. بر اساس گزارش سازمان بین‌المللی کار و یونسف (۲۰۲۱)، ۱۶۰ میلیون کودک در سراسر جهان درگیر کار کودک هستند که بیش از نیمی از آنان در گروه سنی ۵ تا ۱۱ سال قرار دارند. پدیده کودکان کار صرفاً یک مسئله اقتصادی نیست، بلکه بازتابی از آسیب‌شناسی‌های اجتماعی عمیق‌تر، از جمله ناکارآمدی خانواده، شکست نهادها، انگ‌زنی اجتماعی و کاستی‌های سیاست‌گذاری است (ملتفت و همکاران ۲۰۲۱؛ حیدری و همکاران، ۲۰۲۵).

اهمیت توانمندسازی روان‌شناختی برای کودکان کار با افزایش چالش‌های سلامت روان در این جمعیت بیش از پیش برجسته شده است. طی دهه گذشته، مشکلات سلامت روان کودکان به سطحی همه‌گیر رسیده است؛ به گونه‌ای که استرس، اضطراب، افسردگی کودکی و خودکشی به میزان بی‌سابقه‌ای افزایش یافته‌اند (بولتن، ۲۰۲۵). کودکان کار با آسیب‌پذیری‌های مضاعفی نیز مواجه‌اند، از جمله قرار گرفتن در معرض خشونت، بهره‌کشی، محرومیت آموزشی و انگ‌زنی اجتماعی (افشانی و همکاران، ۲۰۱۲؛ فولادیان و همکاران ۲۰۱۶). در میانه این چالش‌ها، والدین، مربیان و متخصصان سلامت روان بیش از هر زمان دیگری به نقشه راهی برای رشد سالم نیاز دارند (بولتن، ۲۰۲۵).

توانمندسازی روان‌شناختی از چندین سنت نظری مختلف ریشه می‌گیرد. روان‌شناسی مثبت‌نگر که بر تأکید سلیگمن و چیکسنت‌میهای (۲۰۰۰) بر نقاط قوت انسانی، هیجان‌های مثبت و شکوفایی استوار است، نشان داده است که مداخلات روان‌شناسی مثبت‌نگر پیامدهایی مانند شادی، درگیری و مشارکت، و بهره‌وری را بهبود می‌بخشد و در عین حال استرس، اضطراب و نشانه‌های افسردگی را کاهش می‌دهند (کار و همکاران، ۲۰۲۱؛ بولیر و همکاران، ۲۰۱۳؛ مایرز و همکاران، ۲۰۱۳؛ لورنز، ۲۰۲۵). چارچوب‌های بنیادی در این حوزه شامل نظریه خودتعیین‌گری (دسی و رایان، ۲۰۰۲)، رفتار سازمانی مثبت (لوتانز، ۲۰۰۲)، نظریه رویدادهای عاطفی (وایس و کروپانزانو، ۱۹۹۶) و الگوی (سلیگمن، ۲۰۱۱) PERMA (۵ مؤلفه در روانشناسی مثبت‌گرا: احساس مثبت، درگیری، روابط، معنا، موفقیت) هستند.

مفهوم habitus (عادتواره یا منش درونی) بوردیو (۱۹۹۰، ۱۹۹۵) چارچوبی سودمند برای درک این موضوع فراهم می‌کند که کودکان کار چگونه شرایط اجتماعی خود را از طریق مواجهه طولانی‌مدت با فقر، غفلت و حاشیه‌نشینی درونی‌سازی می‌کنند. Habitus به «نظام‌هایی از گرایش‌های پایدار و انتقال‌پذیر، ساختارهای ساخت‌یافته‌ای که مستعد آن هستند به‌مثابه ساختارهای ساخت‌دهنده عمل کنند؛ یعنی به‌عنوان اصولی که کنش‌ها و بازنمایی‌ها را تولید و سازمان‌دهی می‌کنند» اشاره دارد (بوردیو، ۱۹۹۰). برای کودکان کار، habitus از خلال مواجهه طولانی با فقر، ناکارآمدی خانواده، غفلت نهادی و زندگی خیابانی شکل می‌گیرد و گرایش‌هایی را ایجاد می‌کند که ممکن است به تداوم حاشیه‌نشینی آنان در طول نسل‌ها بینجامد (محمد، ۲۰۱۹). بانک جهانی (۲۰۲۵) متغیرهای کلیدی روانی - اجتماعی را شامل عوامل درون‌فردی، مانند خودکارآمدی، انتظارات خوش‌بینانه نسبت به آینده و سلامت روان؛ عوامل رابطه‌ای مرتبط با جامعه، مانند پایگاه اجتماعی، کنش جمعی، حمایت اجتماعی و هنجارهای اجتماعی؛ و عوامل رابطه‌ای مرتبط با خانواده، مانند کنترل بر درآمد، پویایی‌های درون‌خانواده، ادراک خشونت و کنترل بر منابع خانوار، معرفی می‌کند. این ابعاد در تعامل با یکدیگر، به‌زیستی فردی و جمعی را شکل می‌دهند.

روش

پژوهش حاضر با هدف مرور نظاممند بر مطالعات تجربی منتشرشده در زمینه مداخلات توانمندسازی روانشناختی برای کودکان کار انجام شد. این مرور بر اساس راهنمای گزارشدهی PRISMA و همکاران (۲۰۲۱) و با رعایت معیارهای ورود و خروج از پیش تعیین شده، صورت پذیرفت. معیارهای ورود به مرور نظاممند عبارت بودند از: (۱) پژوهش‌هایی که به بررسی مداخلات توانمندسازی روانشناختی، ظرفیت‌های روانشناختی، تاب‌آوری، تنظیم هیجانی یا شایستگی اجتماعی در کودکان کار یا جمعیت‌های آسیب‌پذیر کودک پرداخته بودند؛ (۲) پژوهش‌هایی که در بازه زمانی ۲۰۱۸ تا ۲۰۲۶ منتشر شده بودند؛ (۳) پژوهش‌هایی که از روش‌های کمی، کیفی یا آمیخته استفاده کرده بودند؛ (۴) پژوهش‌های اصیل (Original). معیارهای خروج از مرور نظاممند عبارت بودند از: (۱) پژوهش‌هایی که صرفاً به بررسی رابطه فرسودگی شغلی یا متغیرهای دیگر پرداخته بودند و به مداخلات توانمندسازی یا ظرفیت‌های روانشناختی در کودکان کار نمی‌پرداختند؛ (۲) پژوهش‌هایی که جمعیت هدف آنها شاغلان حرفه‌ای (مانند پزشکان، پرستاران، معلمان) بودند و به کودکان کار مرتبط نبودند؛ (۳) پژوهش‌هایی که چکیده یا متن کامل آنها در دسترس نبود؛ (۴) پژوهش‌های از نوع نامه به سردبیر، یادداشت، مقاله کنفرانسی یا مقاله مروری؛ (۵) پژوهش‌هایی که در آنها داده‌های کمی یا کیفی مربوط به پیامدهای مداخلات گزارش نشده بود؛ (۶) پژوهش‌هایی که ابزارهای سنجش را صرفاً ترجمه کرده بودند و به اعتباریابی یا رواسازی در جمعیت کودکان کار نپرداخته بودند. استراتژی جستجو در پایگاه‌های داده معتبر شامل PubMed، Scopus، Web of Science، Google Scholar، Magiran و SID با استفاده از ترکیب کلیدواژه‌های «توانمندسازی روانشناختی»، «کودکان کار»، «تاب‌آوری»، «تنظیم هیجانی»، «مداخله»، «کار کودک» و معادلهای انگلیسی آنها شامل «Psychological Empowerment»، «Working Children»، «Street Children»، «Resilience»، «Emotional Regulation»، «Intervention» و «Child Labor» انجام شد. جستجو با استفاده از عملگرهای بولی (AND, OR) و در بازه زمانی ۲۰۱۸ تا ۲۰۲۶ صورت گرفت. در گام انتخاب پژوهش‌ها، ابتدا تمام مقالات بازیابی شده به نرم‌افزار EndNote X21 وارد شدند و مقالات تکراری توسط دو نویسنده (مرورگر) به صورت مستقل حذف شدند. سپس عنوان و چکیده هر مقاله توسط مرورگران بر اساس معیارهای ورود و خروج بررسی و مقالات نامرتبط حذف شدند. در مرحله بعد، متن کامل مقالات باقیمانده توسط مرورگران مطالعه و ارزیابی شد تا واجد شرایط بودن آنها برای ورود به مرور نهایی تأیید شود. در هر یک از این مراحل، اختلاف نظرها بین مرورگران از طریق بحث و مشورت با مرورگر سوم حل و فصل شد. برای استخراج داده‌ها، یک فرم استاندارد استخراج داده توسط نویسندگان ایجاد شد. دو مرورگر به‌طور مستقل داده‌های

مداخلات توانمندسازی روان‌شناختی برای کودکان کار: مروری جامع بر مبانی نظری، شیوه‌های مبتنی بر شواهد و پیامدها

مربوط به شناسایی مطالعات (شامل نام نویسندگان، سال انتشار، عنوان، کشور، جمعیت هدف، نوع مداخله، روش‌شناسی، پیامدهای اصلی، اندازه اثر و ویژگیهای روانسنجی ابزارهای به‌کاررفته) را استخراج و نتایج خود را با یکدیگر مقایسه کردند. در صورت وجود اختلاف، با مراجعه به متن اصلی مقاله و مشورت با مرورگر سوم، توافق حاصل شد. در پژوهش حاضر، هیچ تحلیل آماری یا فراتحلیل انجام نشد. در عوض، یافته‌های حاصل از پژوهشهای منتخب، به‌صورت نظاممند و با رویکرد ترکیب موضوعی (Thematic Synthesis) در پنج حوزه اصلی شامل (۱) ارزیابی ظرفیتهای روانشناختی، (۲) اثربخشی مداخلات، (۳) تابآوری و روشهای مقابله، (۴) نقش توانمندسازی در تعاملات خانوادگی و بین‌فردی، و (۵) مسیرهای رشدی، سازماندهی و گزارش شد.

یافته‌ها

توانمندسازی روان‌شناختی در کودکان کار، ابعاد چندگانه و به‌هم‌پیوسته‌ای را دربر می‌گیرد. پژوهش‌های انجام‌شده درباره کودکان کار در ایران نشان داده‌اند که تجربه مشکلات اقتصادی، تبعیض مبتنی بر منزلت اجتماعی، اشتغال غیررسمی، نگاه‌های ترحم‌آمیز و تمسخرکننده، اعتماد اندک به سازمان‌های حمایتی و محرومیت آموزشی، به تضعیف ظرفیتهای خانوادگی، اجتماعی و نهادی آنان منجر می‌شود (ملتفت و همکاران، ۲۰۲۱؛ حیدری و همکاران، ۲۰۲۵). این کودکان انگیزه کافی برای مدرسه یا خانواده ندارند و گرمای کاذب نهادهای حمایتی را ترجیح می‌دهند (جدول ۱).

جدول ۱. ظرفیتهای روان‌شناختی کلیدی و رویکردهای ارزیابی آن‌ها در کودکان کار

ظرفیت روان‌شناختی	تعریف	رویکردهای ارزیابی
خودآگاهی	توانایی شناسایی و درک هیجان‌ها، افکار و رفتارهای خود	مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته، پرسشنامه‌های خودگزارشی، مشاهده رفتار
خودکارآمدی	باور به توانایی‌های خود برای موفقیت در موقعیتهای خاص	پرسشنامه خودکارآمدی عمومی، مقیاس‌های اختصاصی حوزه
تنظیم هیجانی	توانایی مدیریت و تعدیل پاسخ‌های هیجانی	پرسشنامه تنظیم هیجانی (ERQ)، مشاهده رفتاری
شایستگی اجتماعی	توانایی برقراری روابط مؤثر و همکاری با دیگران	مقیاس شایستگی اجتماعی، ارزیابی همسالان و معلمان
تاب‌آوری	توانایی تطابق مثبت در مواجهه با ناملایمات	مقیاس تاب‌آوری کانر-دیویدسون (CD-RISC)
امید	احساس عاملیت و توانایی برنامه‌ریزی برای دستیابی به اهداف	پرسشنامه امید اسنایدر

منبع: ملتفت و همکاران (۲۰۲۱)، حیدری و همکاران (۲۰۲۶)، مومینم و رولا (۲۰۲۶)

پیشرفت‌های روش‌شناختی اخیر، ارزیابی ظرفیتهای روان‌شناختی را در جمعیت‌های آسیب‌پذیر کودک بهبود بخشیده‌اند. لورنز (۲۰۲۵) (۱۶ سؤالی سیاهه سرمایه روان‌شناختی Psychological Capital Inventory) را با استفاده از انتخاب گویه مبتنی بر یادگیری ماشین تدوین و اعتباریابی کرد. این ابزار، ویژگی‌های روان‌سنجی قوی و ارتباط‌های استواری با بهزیستی، صفات سازگارانه و کاهش پریشانی روان‌شناختی نشان داد. باین‌حال، ارزیابی کودکان کار با چالش‌های ویژه‌ای، از جمله محدودیت‌های سواد، کم‌گزارشی ناشی از انگ اجتماعی و تناسب فرهنگی ابزارهای سنجش، روبه‌رو است (ملتفت و همکاران، ۲۰۲۱). رویکردهای کیفی برای درک تجربه‌های روان‌شناختی کودکان کار، ارزش ویژه‌ای داشته‌اند (ملتفت و همکاران، ۲۰۲۱) با بهره‌گیری از روش‌شناسی نظریه زمینه‌ای، تجربه‌های کودکان کار را بررسی کردند و مقوله‌های محوری «ضرورت گریزناپذیر و تلقی شدن آن به‌عنوان هنجارهای پذیرفته‌شده»، «شرایط ناکارآمد و ازهم‌گسیخته خانواده»، «تقلیل‌گرایی نهادی» و «غفلت در

قوانین و فقدان درک متقابل» را شناسایی نمودند. حیدری و همکاران (۲۰۲۵) نیز الگویی جامع از شکل‌گیری کار کودک تدوین کردند که فرایندهایی چون مواجهه اولیه، محرومیت، کار در خیابان و آسیب را مشخص می‌ساخت. آموزش ذهن‌آگاهی، اثربخشی معناداری در ارتقای ظرفیت‌های روان‌شناختی جمعیت‌های کودک آسیب‌پذیر نشان داده است. ارشیها و همکاران (۲۰۲۵) اثربخشی آموزش ذهن‌آگاهی بر شادکامی، تنظیم شناختی هیجان و سرمایه روان‌شناختی را در دانشجویان، با استفاده از طرح نیمه‌آزمایشی شامل پیش‌آزمون، پس‌آزمون و پیگیری دوماهه ارزیابی کردند. گروه مداخله در شادکامی، راهبردهای سازگاران تنظیم هیجان و سرمایه روان‌شناختی، بهبودهای معناداری نشان دادند ($p < 0.001$)؛ درحالی‌که راهبردهای ناسازگاران تنظیم شناختی هیجان به‌طور معناداری کاهش یافتند (جدول ۲).

جدول ۲. اثربخشی مداخلات روان‌شناختی برای کودکان کار و جمعیت‌های آسیب‌پذیر

نوع مداخله	جمعیت هدف	پیامدهای اصلی	اندازه اثر	منبع
آموزش ذهن‌آگاهی	دانشجویان	افزایش شادکامی، تنظیم هیجانی سازگاران، سرمایه روان‌شناختی	$p < 0.001$	ارشیها و همکاران (۲۰۲۵)
توانمندسازی روان‌شناختی-هیجانی	نوجوانان پسر تک‌والد	افزایش شایستگی اجتماعی	$\text{Eta} = 0.53, F = 36.31, P < 0.0001$	شمس و همکاران (۲۰۲۶)
بسته جامع آموزشی-روان‌شناختی	دختران نوجوان خانواده‌های طلاق	افزایش بهزیستی ذهنی و تنظیم هیجانی	$P < 0.001$	صالحی و همکاران (۲۰۲۴)
توانمندسازی روان‌شناختی	زنان سرپرست خانوار	بهبود تنظیم شناختی-هیجانی و خودکارآمدی فرزندپروری	$P < 0.001$	نفر و همکاران (۲۰۲۶)
ابتکار عمل بین‌فردی	زنان در محیط‌های کم‌برخوردار	افزایش امنیت غذایی، بهبود پیامدهای کسب‌وکار	$d = 0.12, p = .012$	بانک جهانی (۲۰۲۵)
رویکرد مبتنی بر پیوند با جامعه	کودکان در معرض آسیب	افزایش تاب‌آوری، کاهش اضطراب و شرم	گزارش کیفی	بولتن (۲۰۲۵)
مداخلات فراگیر SEL و مبتنی بر تروما	کودکان با نیازهای ویژه	بهبود سازگاری روانی-اجتماعی	گزارش کیفی	کورکوتاس و همکاران (۲۰۲۶)

بسته‌های آموزشی توانمندسازی روان‌شناختی - هیجانی، در جمعیت‌های مختلف آسیب‌پذیر اثربخشی نشان داده‌اند شمس و همکاران (۲۰۲۶) اثربخشی یک بسته آموزشی توانمندسازی روان‌شناختی - هیجانی را بر شایستگی اجتماعی نوجوانان پسر تک‌والد بررسی کردند. این مطالعه با استفاده از طرح نیمه‌آزمایشی شامل پیش‌آزمون، پس‌آزمون و پیگیری دوماهه انجام شد و نتایج آن اثرات معناداری بر شایستگی اجتماعی نشان داد ($P < 0.0001, \text{Eta} = 0.53, F = 36.31$). این بسته آموزشی بر رشد شایستگی هیجانی، خودمختاری، ارتباط مؤثر، همدلی و رفتار مهربانانه نسبت به دیگران تأکید داشت و به‌عنوان رویکردی کارآمد برای ارتقای شایستگی اجتماعی در نوجوانان آسیب‌پذیر معرفی شد (شمس و همکاران، ۲۰۲۶).

در مورد کودکان کار به‌طور خاص، مداخلاتی که بر پرورش همین شایستگی‌ها متمرکز باشند، ضروری‌اند. پژوهش‌ها نشان می‌دهند که کودکان کار، به دلیل تعاملات اجتماعی محدود، انگ‌زنی اجتماعی و محدودیت زمانی، اغلب فرصت‌های کافی برای رشد شایستگی اجتماعی ندارند (ملتفت و همکاران، ۲۰۲۱؛ افشانی و همکاران، ۲۰۱۲).

صالحی و همکاران (۲۰۲۴) یک بسته جامع توانمندسازی آموزشی - روان‌شناختی را بر اساس تجربه زیسته دختران نوجوان خانواده‌های طلاق تدوین کردند و اثربخشی آن را بر بهزیستی ذهنی و تنظیم هیجانی بررسی نمودند. در مرحله کیفی، از روش

پدیدارشناختی - توصیفی با ۲۰ شرکت‌کننده استفاده شد و در مرحله کمی، طرح نیمه‌آزمایشی با ۲۷ شرکت‌کننده به کار رفت. نتایج نشان داد که این بسته بر بهزیستی ذهنی ($P < 0.001$) و تنظیم هیجانی ($P < 0.001$) اثر معنادار دارد. این بسته بر خودآگاهی، خودکارآمدی، مدیریت خشم، معنویت و انگیزش تمرکز داشت و اثربخشی آن در بهبود بهزیستی و تنظیم هیجانی نوجوانان آسیب‌پذیر تأیید شد (صالحی و همکاران، ۲۰۲۴).

برای کودکان کار نیز به رویکردهای جامع مشابهی نیاز است که چالش‌های چندگانه آنان، از جمله محرومیت آموزشی، ناکارآمدی خانواده، انگ‌زنی اجتماعی و پریشانی روان‌شناختی را مورد توجه قرار دهد (حیدری و همکاران، ۲۰۲۵). بانک جهانی (۲۰۲۵) یک آزمایش سازوکار انجام داد که در آن، مداخلات کوتاه‌مدتی آزمون شد که به گونه‌ای طراحی شده بودند که یا «ابتکار عمل شخصی» (عاملیت مستقل مبتنی بر پیشرفت فردی) یا «ابتکار عمل بین فردی» (عاملیت متقابل مبتنی بر پیشرفت جمعی و هماهنگی اجتماعی) را برجسته سازند. مداخله مبتنی بر ابتکار عمل بین فردی، یک سال بعد، آثار مثبت معناداری بر پیامدهای اقتصادی نشان داد ($d=0.12$, $SE=0.05$, $p=.012$) که این اثر عمدتاً ناشی از افزایش امنیت غذایی و بهبود پیامدهای کسب و کار زنان بود. مداخله مبتنی بر ابتکار عمل شخصی، هرچند از نظر جهت‌گیری مثبت بود، اما اثرات آن از نظر آماری معنادار نبود ($d=0.07$, $SE=0.05$, $p=.168$). این پژوهش اهمیت رویکردهای فرهنگ‌محور و مبتنی بر وابستگی متقابل را در بافت‌های جمع‌گرا نشان می‌دهد (بانک جهانی، ۲۰۲۵).

در مورد کودکان کار، این یافته‌ها نشان می‌دهد که مداخلاتی که بر پیشرفت جمعی و هماهنگی اجتماعی تأکید دارند، احتمالاً از رویکردهای صرفاً فردگرایانه مؤثرتر خواهند بود، به‌ویژه در فرهنگ‌هایی که ارزش‌های جمع‌گرایانه در آن‌ها قوی است. تاب‌آوری یکی از مؤلفه‌های اصلی توانمندسازی روان‌شناختی برای کودکان کار به‌شمار می‌رود. کوپر (۲۰۱۵) در مروری بر شواهد مربوط به سرمایه ذهنی و بهزیستی در طول زندگی، تازه‌ترین یافته‌های علمی را درباره منابع شناختی و هیجانی در مراحل مختلف رشد ارائه می‌کند. این مفهوم، توانایی شناختی، انعطاف‌پذیری و کارآمدی در یادگیری، هوش هیجانی و تاب‌آوری در برابر استرس را دربر می‌گیرد (کوپر، ۲۰۱۵) (جدول ۳).

جدول ۳. عوامل تاب‌آوری و سازوکارهای مقابله‌ای در کودکان کار

عامل تاب‌آوری	توضیحات	سازوکار مقابله‌ای	شواهد
دلبستگی سالم	ایجاد روابط ایمن با مراقبان	جستجوی حمایت اجتماعی	بولتن (۲۰۲۵)
تنظیم هیجانی	توانایی مدیریت هیجان‌های منفی	استفاده از راهبردهای سازگاران	ارشپها و همکاران (۲۰۲۵)
خودکارآمدی	باور به توانایی‌های خود	تلاش برای موفقیت با وجود موانع	ملتفت و همکاران (۲۰۲۱)
حمایت اجتماعی	وجود شبکه حمایتی از خانواده و جامعه	مراجعه به منابع حمایتی	حیدری و همکاران (۲۰۲۵)
معنویت و امید	داشتن چشم‌انداز مثبت به آینده	برنامه‌ریزی برای آینده	صالحی و همکاران (۲۰۲۴)
هویت مثبت	داشتن خودپنداره مثبت	مقاومت در برابر برچسب‌زنی اجتماعی	مومینم و رولا (۲۰۲۶)

شواهد نشان می‌دهند که مداخلات مقابله‌ای مبتنی بر شواهد در بافت‌های گوناگون اثربخش هستند. بولتن (۲۰۲۵) تأکید می‌کند که رویکردهای مبتنی بر پیوند با جامعه، از طریق کمک به کودکان برای شکل‌دادن به دلبستگی‌های سالم و یادگیری تنظیم هیجانی، تاب‌آوری را افزایش می‌دهند و سبب می‌شوند آنان «احساس پیوند بیشتر، اضطراب کمتر، شمول بیشتر، شرم کمتر و استواری ایمن‌تری» داشته باشند. این اجتماعات، کودکان را در برابر تأثیرات آسیب روانی محافظت می‌کنند و رشد تاب‌آوری را هدایت می‌نمایند.

کورکوتاس و همکاران (۲۰۲۶) مداخلات مبتنی بر شواهد را در بافت‌های آموزشی و اجتماعی ارائه کرده‌اند که یادگیری اجتماعی - هیجانی (SEL)، آموزش فراگیر، عمل مبتنی بر آگاهی از تروما، ذهن‌آگاهی، رویکردهای مبتنی بر هنر و بهزیستی معلمان را دربر می‌گیرد. مشارکت‌های آنان بر رویکردهای غیرآسیب‌انگار، مبتنی بر نقاط قوت، در زمینه تاب‌آوری و سازگاری روانی - اجتماعی تأکید دارد و در عین حال، برابری، شمول و امنیت رابطه‌ای را در کانون توجه قرار می‌دهد؛ به‌ویژه برای کودکانی که با ناملایمات، حاشیه‌نشینی یا نیازهای ویژه آموزشی روبه‌رو هستند.

در مورد کودکان کار به‌طور خاص، مداخلات باید چالش‌های منحصر به فرد آنان را مدنظر قرار دهند. حیدری و همکاران (۲۰۲۵) شناسایی کردند که کودکان کار تجربه‌های آسیب‌زا، تعارض خانوادگی، غفلت نهادی و انگ‌زنی اجتماعی را تجربه می‌کنند که همگی رشد تاب‌آوری را تضعیف می‌کنند. مداخلات توانمندساز می‌توانند از طریق فراهم کردن روابط حمایتی، پرورش مهارت‌ها و تقویت هویت مثبت، به ساخت تاب‌آوری کمک کنند.

خانواده، بستر بسیار مهمی برای شکل‌گیری توانمندسازی روان‌شناختی در کودکان کار به‌شمار می‌رود. پژوهش‌های مربوط به کودکان کار نشان می‌دهد که ناکارآمدی خانواده یکی از عوامل کلیدی ورود کودکان به کار خیابانی است؛ عواملی مانند اعتیاد والدین، تعارض خانوادگی، فقر و سوءرفتار از جمله این زمینه‌ها هستند (ملفت و همکاران، ۲۰۲۱؛ افشانی و همکاران، ۲۰۱۲؛ فولادیان و همکاران، ۲۰۱۶) (جدول ۴).

جدول ۴. عوامل خانوادگی مؤثر بر توانمندسازی روان‌شناختی در کودکان کار

عامل خانوادگی	تأثیر بر توانمندسازی	شواهد
ناکارآمدی خانواده (اعتیاد، تعارض، سوءرفتار)	تضعیف توانمندسازی، افزایش آسیب‌پذیری	ملفت و همکاران (۲۰۲۱)، افشانی و همکاران (۲۰۱۲)
فقر و محرومیت اقتصادی	محدودیت دسترسی به منابع حمایتی و آموزشی	فولادیان و همکاران (۲۰۱۶)
حمایت عاطفی والدین	تقویت خودکارآمدی و تنظیم هیجانی	صالحی و همکاران (۲۰۲۴)
الگوی نقش مثبت	افزایش شایستگی اجتماعی و هویت‌یابی	شمس و همکاران (۲۰۲۶)
ارتباط مؤثر والدین با کودک	بهبود مهارت‌های بین‌فردی و همدلی	کورکوتاس و همکاران (۲۰۲۶)
غفلت و طرد	تضعیف تاب‌آوری و افزایش خطر کار کودک	حیدری و همکاران (۲۰۲۵)

شایستگی اجتماعی یکی از پیامدهای مهم توانمندسازی روان‌شناختی برای کودکان کار به‌شمار می‌رود. شمس و همکاران (۲۰۲۶) دریافتند که آموزش توانمندسازی روان‌شناختی - هیجانی، شایستگی اجتماعی نوجوانان پسر خانواده‌های تک‌والد را به‌طور معناداری افزایش می‌دهد. این بسته آموزشی شامل مؤلفه‌هایی برای پرورش شایستگی هیجانی، خودمختاری، ارتباط مؤثر، همدلی و رفتار مهربانانه نسبت به دیگران بود.

پژوهش‌های مربوط به کودکان کار نشان می‌دهد که آنان اغلب به دلیل فرصت‌های محدود برای جامعه‌پذیری، انگ‌زنی اجتماعی و تجربه‌های منفی بین‌فردی، از شایستگی اجتماعی آسیب‌دیده‌ای برخوردارند (ملفت و همکاران (۲۰۲۱) و حیدری و همکاران (۲۰۲۵) دریافتند که کودکان کار با «تصویر تحریف‌شده در آینه دیگران» مواجه‌اند؛ به این معنا که بازخوردهای منفی دیگران، خودپنداره آنان را شکل می‌دهد. این فرایند به‌ویژه آسیب‌زاست، زیرا کودکان کار اغلب از تقویت اجتماعی مثبت و الگوهای نقش مناسب محروم‌اند.

صالحی و همکاران (۲۰۲۴) نشان دادند که مداخلات جامع توانمندسازی، با هدف قرار دادن خودآگاهی، خودکارآمدی، مدیریت خشم، معنویت و انگیزش، می‌توانند کارکرد بین‌فردی را در نوجوانان آسیب‌پذیر به‌طور معناداری بهبود بخشند.

مداخلات توانمندسازی روان‌شناختی برای کودکان کار: مروری جامع بر مبانی نظری، شیوه‌های مبتنی بر شواهد و پیامدها

ظرفیت‌های روان‌شناختی در طول دوران کودکی و نوجوانی رشد می‌کنند و دستخوش تحول می‌شوند. کوپر (۲۰۱۵) مرورهای جامعی درباره سرمایه ذهنی و بهزیستی در طول زندگی ارائه کرده است و بررسی می‌کند که تجربه‌های فرد در سراسر مسیر زندگی چگونه منابع شناختی و هیجانی او را افزایش یا کاهش می‌دهند. سرمایه ذهنی به کلیت منابع شناختی و هیجانی فرد اشاره دارد که توانایی شناختی، انعطاف‌پذیری، کارآمدی یادگیری، هوش هیجانی و تاب‌آوری را دربر می‌گیرد (جدول ۵).

جدول ۵. مراحل رشد و نیازهای توانمندسازی کودکان کار

مرحله رشدی	ویژگی‌های کلیدی	نیازهای توانمندسازی	مداخلات پیشنهادی
کودکی اولیه (۷-۵ سال)	شکل‌گیری دلبستگی، رشد هیجانی پایه	ایجاد امنیت روانی، رشد خودآگاهی اولیه	بازی درمانی، مداخلات مبتنی بر دلبستگی
کودکی میانی (۱۱-۸ سال)	رشد شایستگی اجتماعی، شکل‌گیری هویت	تقویت مهارت‌های اجتماعی، خودکارآمدی	آموزش مهارت‌های اجتماعی، برنامه‌های مدرسه‌ای
اوایل نوجوانی (۱۴-۱۲ سال)	تغییرات هویتی، افزایش تأثیر همسالان	تنظیم هیجانی، مقاومت در برابر فشار همسالان	ذهن‌آگاهی، آموزش تنظیم هیجانی
اواخر نوجوانی (۱۷-۱۵ سال)	برنامه‌ریزی برای آینده، استقلال‌طلبی	خودکارآمدی، امید، مهارت‌های زندگی	توانمندسازی روان‌شناختی-هیجانی، مشاوره مسیر شغلی

منبع: بولتن (۲۰۲۵)، کوپر (۲۰۱۵)، حیدری و همکاران (۲۰۲۵)

مداخلات در مراحل مختلف رشد، از توانمندسازی روان‌شناختی کودکان کار حمایت می‌کنند. شمس و همکاران (۲۰۲۶) اثربخشی آموزش توانمندسازی روان‌شناختی - هیجانی را در ارتقای شایستگی اجتماعی نوجوانان پسر خانواده‌های تک‌والد نشان دادند. صالحی و همکاران (۲۰۲۴) نیز آثار توانمندسازی جامع را بر بهزیستی و تنظیم هیجانی دختران نوجوان خانواده‌های طلاق تأیید کردند. این مداخلات بر رشد مهارت‌های متناسب با مرحله تحولی، از جمله شایستگی هیجانی، خودمختاری، ارتباط، همدلی و انگیزش تمرکز دارند.

کورکوتاس و همکاران (۲۰۲۶) مداخلات مبتنی بر شواهدی را در بافت‌های فردی، خانوادگی و مدرسه‌ای ارائه می‌کنند که یادگیری اجتماعی - هیجانی (SEL)، آموزش فراگیر، عمل مبتنی بر آگاهی از تروما، ذهن‌آگاهی، رویکردهای مبتنی بر هنر و بهزیستی معلمان را دربر می‌گیرد. کار آنان بر برابری، شمول و امنیت رابطه‌ای تأکید دارد؛ به‌ویژه برای کودکانی که با ناملایمات، حاشیه‌نشینی یا نیازهای ویژه آموزشی مواجه‌اند.

در مورد کودکان کار، بولتن (۲۰۲۵) به‌طور خاص بر ایجاد اجتماعات سالم تأکید می‌کند؛ اجتماعاتی که به کودکان کمک می‌کنند دلبستگی‌های سالم شکل دهند، تنظیم هیجانی را بیاموزند و تاب‌آوری خود را پرورش دهند. چالش‌های سلامت روان کودکان به سطحی همه‌گیر رسیده‌اند و از این‌رو، درک رشد سالم کودکان بیش از هر زمان دیگری ضرورت یافته است. قدرت اجتماعات نه تنها در ارتقای بهزیستی، بلکه در محافظت کودکان در برابر آثار آسیب روانی و هدایت رشد تاب‌آوری آنان نهفته است.

بحث

این مرور جامع، شواهد همسو و پایداری را درباره اثربخشی مداخلات توانمندسازی روان‌شناختی برای کودکان کار و جمعیت‌های آسیب‌پذیر، در بافت‌ها و مراحل رشدی گوناگون، نشان می‌دهد. یافته‌های اصلی عبارت‌اند از:

- مداخلات مبتنی بر ذهن‌آگاهی، شادکامی، تنظیم هیجانی سازگاران و سرمایه روان‌شناختی را به‌طور مؤثری افزایش می‌دهند (ارشیا و همکاران، ۲۰۲۵). این مداخلات برای کودکان کاری که تروما و استرس را تجربه کرده‌اند، ارزش ویژه‌ای دارند.
 - آموزش توانمندسازی روان‌شناختی - هیجانی، شایستگی اجتماعی را در نوجوانان آسیب‌پذیر به‌طور معناداری بهبود (شمس و همکاران، ۲۰۲۶)، تنظیم شناختی - هیجانی و خودکارآمدی فرزندپروری را در زنان سرپرست خانوار ارتقا می‌دهد (نفر و همکاران، ۲۰۲۶) و بهزیستی ذهنی و تنظیم هیجانی را در دختران نوجوان خانواده‌های طلاق افزایش می‌دهد (صالحی و همکاران، ۲۰۲۴).
 - رویکردهای مبتنی بر پیوند با جامعه، از طریق کمک به کودکان برای شکل‌دادن به دلبستگی‌های سالم و یادگیری تنظیم هیجانی، تاب‌آوری را تقویت می‌کنند (بولتن، ۲۰۲۵). این رویکردها برای کودکان کار که اغلب از محیط‌های خانوادگی حمایتگر برخوردار نیستند، ضروری‌اند.
 - رویکردهای مبتنی بر فرهنگ، اثربخشی بیشتری نسبت به مداخلات عمومی و غیربومی نشان می‌دهند. آزمایش سازوکار بانک جهانی (۲۰۲۵) نشان داد که «ابتکار عمل بین‌فردی» یا عاملیت وابسته به هم، اثرات معناداری دارد؛ درحالی‌که «ابتکار عمل شخصی» چنین اثری نداشت. این یافته، اهمیت خرد فرهنگی در طراحی مداخلات را برجسته می‌سازد.
 - کودکان کار با چالش‌های متعددی، از جمله ناکارآمدی خانواده، غفلت نهادی، انگ‌زنی اجتماعی و محرومیت آموزشی مواجه‌اند که توانمندسازی روان‌شناختی آنان را تضعیف می‌کند (ملفت و همکاران، ۲۰۲۱، حیدری و همکاران، ۲۰۲۵). بنابراین، مداخلات باید این سطوح چندگانه را به‌صورت هم‌زمان هدف قرار دهند.
 - شواهد مرور شده از ادغام چند چارچوب نظری برای درک و ارتقای توانمندسازی روان‌شناختی کودکان کار حمایت می‌کنند:
 - مفهوم habitus بوردیو (۱۹۹۵، ۱۹۹۰) چارچوبی سودمند برای درک این مسئله فراهم می‌سازد که کودکان کار چگونه شرایط اجتماعی خود را از طریق مواجهه طولانی‌مدت با فقر، غفلت و حاشیه‌نشینی درونی‌سازی می‌کنند. مداخلات توانمندسازی می‌توانند از طریق فراهم‌کردن تجربه‌ها و منابع جدید، habitus را بازساختار دهند.
 - نظریه خودتعیین‌گری (دسی و رایان، ۲۰۰۲) توضیح می‌دهد که خودمختاری، شایستگی و ارتباط، چگونه از توانمندسازی روان‌شناختی حمایت می‌کنند؛ موضوعی که با یافته‌ها درباره اثربخشی مداخلات حامی این نیازها هم‌خوان است. برای کودکان کار، مداخلاتی که خودمختاری (حق انتخاب و کنترل)، شایستگی (رشد مهارت‌ها) و ارتباط (حمایت و پیوند اجتماعی) را تقویت می‌کنند، اهمیت خاصی دارند.
 - رفتار سازمانی مثبت (لوتانز، ۲۰۰۲) چارچوبی برای درک سرمایه روان‌شناختی و کاربردهای آن فراهم می‌آورد که شواهد فراتحلیلی نیز از آن حمایت می‌کنند (مومینم و رولا، ۲۰۲۶). سرمایه روان‌شناختی، شامل امید، خودکارآمدی، تاب‌آوری و خوش‌بینی، یکی از اهداف اصلی مداخلات توانمندسازی برای کودکان کار است.
 - رویکردهای نظام‌های بوم‌شناختی (کورکوتاس و همکاران، ۲۰۲۶) بر تعامل میان ویژگی‌های فردی، پویایی‌های خانواده، محیط‌های مدرسه‌ای و شرایط گسترده‌تر اجتماعی - فرهنگی تأکید دارند. این دیدگاه با یافته‌ای همسو است که نشان می‌دهد رویکردهای مبتنی بر پیوند با جامعه، تاب‌آوری را تقویت می‌کنند (بولتن، ۲۰۲۵). مداخلات باید سطوح بوم‌شناختی گوناگون، شامل فرد، خانواده، مدرسه، جامعه و سیاست‌گذاری را هدف قرار دهند.
- برای فعالیتهای بالینی و مشاوره‌ای:** مداخلات توانمندسازی برای کودکان کار باید ذهن‌آگاهی، مهارت‌های تنظیم هیجان، ارتقای خودکارآمدی و رویکردهای مبتنی بر فرهنگ را دربر گیرد. اثربخشی این مداخلات در جمعیت‌های مختلف آسیب‌پذیر، از قابلیت کاربرد گسترده آن‌ها حمایت می‌کند (ارشیا و همکاران، ۲۰۲۵؛ شمس و همکاران، ۲۰۲۶؛ صالحی و همکاران،

مداخلات توانمندسازی روان‌شناختی برای کودکان کار: مروری جامع بر مبانی نظری، شیوه‌های مبتنی بر شواهد و پیامدها

(۲۰۲۴). متخصصان باید از رویکردهای مبتنی بر آگاهی از تروما و نقاط قوت استفاده کنند؛ رویکردهایی که ضمن توجه به آسیب‌پذیری کودکان، عاملیت آنان را نیز به رسمیت می‌شناسند.

برای محیط‌های آموزشی: ادغام یادگیری اجتماعی - هیجانی (SEL)، ذهن‌آگاهی و رویکردهای آموزش فراگیر می‌تواند به‌زیستی دانش‌آموزان و موفقیت تحصیلی آنان را ارتقا دهد (کورکوتاس و همکاران، ۲۰۲۶؛ ارشیها و همکاران، ۲۰۲۵). گذار از رویکردهای کنترل‌گر به محیط‌های حمایتگر و مبتنی بر پیوند با جامعه ضروری است (بولتن، ۲۰۲۵). مدارس ارائه‌دهنده خدمات به کودکان کار باید برنامه‌هایی منعطف و حمایتگر فراهم کنند که نیازهای ویژه این کودکان را پاسخ دهد.

برای مداخلات مبتنی بر جامعه: رویکردهای مبتنی بر پیوند با جامعه که حمایت اجتماعی را ایجاد می‌کنند، دلبستگی‌های سالم را پرورش می‌دهند و مهارت‌های تنظیم هیجانی را توسعه می‌بخشند، ضروری‌اند (بولتن، ۲۰۲۵). مداخلات باید خانواده‌ها، مدارس و جوامع محلی را در حمایت از رشد کودکان کار درگیر کنند.

برای توسعه سیاست‌ها: سرمایه‌گذاری در مداخلات توانمندسازی روان‌شناختی برای کودکان کار، از اهداف متعدد توسعه پایدار حمایت می‌کند؛ به‌ویژه سلامت و به‌زیستی، آموزش باکیفیت، برابری جنسیتی، کار شایسته و کاهش نابرابری‌ها. رویکردهای مبتنی بر شواهد و حساس به فرهنگ باید در اولویت قرار گیرند (لورنز، ۲۰۲۵؛ بانک جهانی، ۲۰۲۵).

چند محدودیت باید مورد توجه قرار گیرد. بسیاری از مطالعات از طرح‌های کوتاه‌مدت استفاده کرده‌اند؛ در نتیجه، شناخت پایداری بلندمدت مداخلات محدود است. تعمیم‌پذیری فرهنگی یافته‌ها نیز به پژوهش بیشتر نیاز دارد، به‌ویژه در زمینه قابلیت کاربرد آن‌ها در جمعیت‌ها و بافت‌های متنوع (لورنز، ۲۰۲۵). ابهام مفهومی و مسائل مربوط به سنجش، همچنان برای برخی سازه‌ها چالش‌برانگیز است (ون زیل و همکاران، ۲۰۲۳). همچنین پژوهش‌های اختصاصی درباره کودکان کار محدود است و بسیاری از مطالعات بر سایر جمعیت‌های آسیب‌پذیر تمرکز داشته‌اند.

پژوهش‌های آینده باید:

- مطالعات طولی را برای بررسی پایداری مداخلات توانمندسازی در کودکان کار انجام دهند؛
- قابلیت کاربرد بین‌فرهنگی و رویکردهای متناسب با زمینه فرهنگی را بررسی کنند؛
- سازوکارهای تغییر در فرایندهای توانمندسازی را مطالعه کنند؛
- رویکردهای عصب‌شناختی - شناختی و روانی - اجتماعی را تلفیق کنند؛
- ابزارهای سنجش متناسب با بافت کودکان کار را تدوین و اعتباریابی کنند؛
- اثربخشی مداخلات جامع و چندسطحی ناظر بر عوامل فردی، خانوادگی، مدرسه‌ای و اجتماعی را بررسی کنند؛
- مسیرهای رشدی بلندمدت کودکانی را که مداخلات توانمندسازی دریافت می‌کنند، مطالعه نمایند.

نتیجه‌گیری

این مرور جامع نشان می‌دهد که توانمندسازی روان‌شناختی، سازه‌ای چندبعدی است که برای کودکان کار و جمعیت‌های آسیب‌پذیر از پشتوانه تجربی نیرومندی برخوردار است. کودکان کار با چالش‌های قابل‌توجهی در رشد روان‌شناختی خود مواجه‌اند که از جمله آن‌ها می‌توان به ناکارآمدی خانواده، غفلت نهادی، انگ‌زنی اجتماعی، محرومیت آموزشی و مواجهه با تروما اشاره کرد (ملتفت و همکاران، ۲۰۲۱؛ حیدری و همکاران، ۲۰۲۵). بااین‌حال، مداخلات توانمندسازی روان‌شناختی می‌توانند به‌طور مؤثر این چالش‌ها را هدف قرار دهند.

مداخلات اثربخش، عناصر مشترکی دارند؛ از جمله تمرکز بر خودآگاهی، خودکارآمدی، تنظیم هیجان، شایستگی اجتماعی و رویکردهای فرهنگ‌محور مبتنی بر آگاهی از تروما (ارشیها و همکاران، ۲۰۲۵؛ شمس و همکاران، ۲۰۲۶؛ صالحی و همکاران،

۲۰۲۴؛ نفر و همکاران، کورکوتاس و همکاران، ۲۰۲۶). آموزش ذهن‌آگاهی، توانمندسازی روان‌شناختی - هیجانی، برنامه‌های جامع آموزشی - روان‌شناختی و رویکردهای مبتنی بر پیوند با جامعه، همگی آثار مثبت معناداری نشان داده‌اند.

ادغام اصول توانمندسازی در بافت‌های فردی، خانوادگی، مدرسه‌ای و اجتماعی، مسیرهای امیدبخشی برای ارتقای بهزیستی و پیامدهای رشدی کودکان کار فراهم می‌سازد. شواهد از حرکت از الگوهای متمرکز بر کمبودها به سمت رویکردهای مبتنی بر نقاط قوت حمایت می‌کنند (کورکوتاس و همکاران، ۲۰۲۶)، همچنین بر گذار از شیوه‌های کنترل‌گر به رویکردهای مبتنی بر پیوند با جامعه (بولتن و همکاران، ۲۰۲۵) و از مداخلات عمومی به رویکردهای خردمندانه و متناسب با فرهنگ (بانک جهانی، ۲۰۲۵) تأکید دارند. همان‌گونه که کوپر (۲۰۱۵) بیان می‌کند، سرمایه ذهنی و بهزیستی در سراسر طول زندگی عمل می‌کنند و تجربه‌های فرد در بافت‌های گوناگون می‌توانند منابع شناختی و هیجانی او را افزایش یا کاهش دهند.

یافته‌ها بر اهمیت مداخلات جامع و هماهنگ در سطوح متعدد تأکید می‌کنند: حمایت روان‌شناختی فردی، تقویت خانواده، فراهم کردن فرصت‌های آموزشی، جامعه‌سازی و اصلاح سیاست‌ها. سرمایه‌گذاری در توانمندسازی روان‌شناختی کودکان کار، برای افراد، خانواده‌ها، جوامع و کل جامعه سودمند است. همان‌گونه که (ملتفت و همکاران، ۲۰۲۱) نتیجه‌گیری می‌کنند، پدیده کار کودک مسئله‌ای اجتماعی و پیچیده است که به مداخلات چندسطحی، مبتنی بر شواهد و حساس به فرهنگ نیاز دارد؛ مداخلاتی که هم نیازهای فوری و هم علل ساختاری زیربنایی را مورد توجه قرار دهند.

منابع

- [1] Afshani, S. A., Asgari Nadoshan, A., Heydari, M., & Nouriyar Najafabadi, M. (2012). An analysis of street and working children's situation in Isfahan. *Journal of Applied Sociology*, 23 (4), 85–102. 20.1001.1.20085745.1391.23.4.5.4
- [2] Arshiha, A. S., Heydari, S., & Fakhri, M. (2025). Effect of mindfulness training on happiness, emotion regulation, and psychological capital in students. *International Journal of Body, Mind and Culture*, 12 (6), 254–263. <https://doi.org/10.61838/ijbmc.v12i6.1036>
- [3] Bolier, L., Haverman, M., Westerhof, G. J., Riper, H., Smit, F., & Bohlmeijer, E. (2013). Positive psychology interventions: A meta-analysis of randomized controlled studies. *BMC Public Health*, 13 (1), Article 119. <https://doi.org/10.1186/1471-2458-13-119>
- [4] Bolton, D. (2025). *Untethered: Creating connected families, schools, and communities to raise a resilient generation*. Avery.
- [5] Bourdieu, P. (1990). *The logic of practice*. Stanford University Press.
- [6] Bourdieu, P. (1995). *The rules of art: Genesis and structure of the literary field*. Stanford University Press.
- [7] Carr, A., Cullen, K., Keeney, C., Canning, C., Mooney, O., Chinseallaigh, E., & O'Dowd, A. (2021). Effectiveness of positive psychology interventions: A systematic review and meta-analysis. *The Journal of Positive Psychology*, 16 (6), 749–769. 10.1080/17439760.2020.1818807
- [8] Cooper, C. (2015). *Wellbeing: A complete reference guide*. Wiley.
- [9] Deci, E. L., & Ryan, R. M. (2002). *Handbook of self-determination research*. University of Rochester Press.
- [10] Fouladian, M., Toosifar, J., & Vaziri, S. H. (2016). Narrative study of becoming a working child in Mashhad. *Journal of Iranian Social Studies and Research*, 5 (3), 485–510. <https://doi.org/10.22059/jisr.2016.60089>
- [11] Heidari, M. R., Akbari, H., Amirpour, M., & Majdi, A. A. (2025). The collapse of childhood life: A grounded study on the formation of child labor. *Journal of Sociology of Social Institutions*, 12 (25).
- [12] ILO & UNICEF. (2021). *Child Labour: Global estimates 2020, trends and the road forward*. International Labour Organization and UNICEF. 10.22080/ssi.2025.28243.2239
- [13] Kourkoutas, E., Manier, D., & Parmar, P. (2026). *Social-emotional development and well-being in childhood and adolescence: Innovative interventions across individual, family, and school contexts*. Springer.
- [14] Lorenz, T. (2025). Evidence-based, data-driven, human-centered—new perspectives of positive psychology in the workplace. *Gruppe Interaktion Organisation Zeitschrift für Angewandte Organisationspsychologie*, 56, 199–202. <https://doi.org/10.1007/s11612-025-00827-4>
- [15] Luthans, F. (2002). The need for and meaning of positive organizational behavior. *Journal of Organizational Behavior*, 23 (6), 695–706. <https://doi.org/10.1002/job.165>
- [16] Mominm, M. Rolla, K. (2026). Well-being, parity and decent work: A meta-analytic review of psychological capital and employee well-being literature. *Management Research Review*, 49 (2), 234–252. 10.1108/MRR-05-2025-0411
- [17] Meyers, M. C., van Woerkom, M., & Bakker, A. B. (2013). The added value of the positive: A literature review of positive psychology interventions in organizations. *European Journal of Work and Organizational Psychology*, 22 (5), 618–632. <https://doi.org/10.1080/1359432X.2012.694689>
- [18] Mohammad, F. (2019). Bourdieu's perspective on the educational field: Beyond conflict and functionalism perspectives. *Journal of Educational Foundations*, 9 (1), 5–25. 10.22067/FEDU.V9I1.73557
- [19] Moltafet, H., Hazbavi, A., & Moghadam, M. H. (2021). Exploring family contexts and its role in reproducing street child labor in Ahvaz. *Social Problems of Iran*, 12 (1), 381–402. 10.52547/jspi.12.1.381
- [20] Nafar, N., Fallah, M. H., & Mirzamani Bafghi, S. M. (2026). The effectiveness of psychological empowerment counseling package based on mothers' lived experiences on cognitive-emotional regulation

- and parenting self-efficacy in female heads of families in Isfahan city. *Iranian Journal of Educational Research*, 5(1), 1-13.
- [21] Salehi Kozani, P., Ahmadian, H., & Yarahmadi, Y. (2024). Developing a comprehensive package of educational-psychological empowerment based on the lived experience of adolescent girls in divorced families and investigating its effectiveness on their subjective well-being and emotional regulation. *Journal of Modern Psychological Research*, 19(75), 35-47. [10.22034/JMPR.2023.58320.5795](https://doi.org/10.22034/JMPR.2023.58320.5795)
- [22] Sanjar, H. (2002). Causes of adolescent runaway from home [Master's thesis, Allameh Tabatabai University].
- [23] Seligman, M. E. P. (2011). *Flourish: A visionary new understanding of happiness and well-being*. Free Press.
- [24] Seligman, M. E. P., & Csikszentmihalyi, M. (2000). Positive psychology: An introduction. *American Psychologist*, 55 (1), 5–14. <https://doi.org/10.1037/0003-066X.55.1.5>
- [25] Shams, Z., Sedrpoushan, N., Fallah, M. H., Dehghan, M., & Nazari, A. (2026). The effectiveness of a training package of psychological-emotional empowerment on social competence of single-parent male adolescents. *Journal of Applied Psychological Research*, 17(1), 291-304. <https://doi.org/10.22059/japr.2026.105439>
- [26] van Zyl, L. E., Gaffaney, J., van der Vaart, L., Dik, B. J., & Donaldson, S. I. (2023). The critiques and criticisms of positive psychology: A systematic review. *The Journal of Positive Psychology*, 19 (2), 206–225. <https://doi.org/10.1080/17439760.2023.2178956>
- [27] Weiss, H. M., & Cropanzano, R. (1996). Affective events theory: A theoretical discussion of the structure, causes and consequences of affective experiences at work. *Research in Organizational Behavior*, 18, 1–74.
- [28] World Bank. (2025). Psychosocial interventions and women's economic empowerment: Evidence from a mechanism experiment. World Bank Group.